



رابطه پیوند والدینی با سبک های ابراز خشم دانش آموزان: تبیین نقش روابط عاطفی والد - فرزند

یاسر آسال

فرهنگی آموزش و پرورش



MDOI-02-2026.0209

MNR-223-2-EE0182

این پژوهش با هدف بررسی رابطه پیوند والدینی با سبک های ابراز خشم دانش آموزان دوره اول متوسطه و تبیین نقش روابط عاطفی والد - فرزند انجام شد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش آموزان دوره اول متوسطه شهر زنجان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود که از میان آنان ۳۸۴ نفر به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه پیوند والدینی پارکر، توپلینگ و براون (۱۹۷۹) و پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (۱۹۹۲) گردآوری و با بهره گیری از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه در نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ تحلیل شدند. یافته ها نشان داد بین پیوند والدینی و سبک های ابراز خشم دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد؛ به گونه ای که کیفیت مطلوب تر روابط عاطفی والد - فرزند با کاهش شیوه های ناسازگار ابراز خشم و افزایش کنترل هیجان همراه است. همچنین پیوند والدینی توانست سهم معناداری در پیش بینی سبک های ابراز خشم دانش آموزان داشته باشد. این نتایج نشان می دهد روابط عاطفی ایمن، حمایت گر و همراه با مراقبت والدین می تواند در شکل گیری الگوهای سالم ابراز خشم نوجوانان نقش مؤثری ایفا کند. از این رو، تقویت کیفیت تعاملات عاطفی والد - فرزند و اجرای برنامه های آموزشی خانواده محور می تواند به ارتقای سلامت روان و کاهش رفتارهای پرخاشگرانه دانش آموزان کمک کند.

کلیدواژه ها: پیوند والدینی، روابط عاطفی والد - فرزند، سبک های ابراز خشم، دانش آموزان، نوجوانان.

مقدمه

خانواده نخستین و مهم ترین بستر رشد عاطفی، شناختی و اجتماعی کودکان و نوجوانان به شمار می آید و کیفیت روابط حاکم بر آن، نقش تعیین کننده ای در شکل گیری ویژگی های شخصیتی، هیجانی و رفتاری افراد دارد. در این میان، پیوند والدینی به عنوان رابطه ای عاطفی، پایدار و حمایت گر میان والدین و فرزند، یکی از مهم ترین عوامل مؤثر بر سلامت روان و سازگاری اجتماعی نوجوانان محسوب می شود. پژوهش های متعدد نشان داده اند که برخورداری از روابط عاطفی



ایمن با والدین، زمینه‌ساز رشد هیجانی سالم، افزایش احساس امنیت روانی، تقویت خودکنترلی و کاهش رفتارهای ناسازگار در نوجوانان است.

یکی از هیجان‌های اساسی دوران نوجوانی، خشم است. اگرچه خشم به‌عنوان یک هیجان طبیعی و اجتناب‌ناپذیر شناخته می‌شود، اما نحوه ابراز آن می‌تواند پیامدهای متفاوتی برای فرد و جامعه به همراه داشته باشد. ابراز نامناسب خشم با افزایش پرخاشگری، تعارض‌های بین‌فردی، افت عملکرد تحصیلی و بروز مشکلات روان‌شناختی همراه است، در حالی که کنترل و مدیریت صحیح آن از شاخص‌های مهم سلامت روان به شمار می‌رود. از این‌رو، شناسایی عوامل خانوادگی مؤثر بر سبک‌های ابراز خشم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در میان عوامل خانوادگی، پیوند والدینی جایگاه برجسته‌ای دارد. بر اساس نظریه دلبستگی بالبی، کیفیت تعاملات عاطفی والدین با فرزند، الگوهای هیجانی و رفتاری او را در طول زندگی شکل می‌دهد. والدینی که با محبت، پذیرش، حمایت و مراقبت مناسب با فرزندان خود تعامل می‌کنند، زمینه رشد هیجانی مطلوب و توانایی بیشتر در مدیریت هیجان‌ها را فراهم می‌سازند. در مقابل، روابط عاطفی ضعیف، طردکننده یا همراه با کنترل افراطی می‌تواند احتمال بروز رفتارهای پرخاشگرانه و شیوه‌های ناسازگار ابراز خشم را افزایش دهد.

با وجود اهمیت پیوند والدینی، پژوهش‌های انجام‌شده در داخل کشور که به‌طور اختصاصی رابطه این متغیر با سبک‌های ابراز خشم دانش‌آموزان را بررسی کرده باشند، محدود است و اغلب مطالعات، این متغیر را در کنار سایر عوامل خانوادگی مورد بررسی قرار داده‌اند. از این‌رو، تمرکز بر نقش مستقل پیوند والدینی می‌تواند شناخت دقیق‌تری از تأثیر روابط عاطفی والد - فرزند بر نحوه ابراز خشم نوجوانان فراهم سازد.

بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه پیوند والدینی با سبک‌های ابراز خشم دانش‌آموزان و تبیین نقش روابط عاطفی والد - فرزند انجام شده است تا شواهد علمی لازم برای طراحی مداخلات آموزشی و برنامه‌های خانواده‌محور در راستای ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان فراهم شود.

بیان مسئله

نوجوانی یکی از حساس‌ترین مراحل رشد انسان است که با تغییرات گسترده جسمانی، شناختی، هیجانی و اجتماعی همراه است. در این دوره، تجربه هیجان‌هایی مانند خشم امری طبیعی است؛ اما نحوه ابراز و مدیریت آن می‌تواند پیامدهای مهمی برای سلامت روان، روابط بین‌فردی و سازگاری اجتماعی نوجوانان داشته باشد. ابراز نامناسب خشم با مشکلاتی همچون پرخاشگری، افت عملکرد تحصیلی، تعارض با خانواده و همسالان و افزایش رفتارهای پرخطر ارتباط دارد؛ از این‌رو شناسایی عوامل مؤثر بر سبک‌های ابراز خشم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

خانواده نخستین محیط اجتماعی کودک و نوجوان است و کیفیت روابط عاطفی میان والدین و فرزند نقش اساسی در رشد هیجانی و شکل‌گیری الگوهای رفتاری او ایفا می‌کند. در این میان، پیوند والدینی به میزان محبت، مراقبت، حمایت و امنیت عاطفی تجربه‌شده از سوی فرزند در ارتباط با والدین اشاره دارد. بر اساس نظریه دلبستگی، کیفیت این پیوند بر توانایی فرد در تنظیم هیجان‌ها، سازگاری روان‌شناختی و شیوه مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا تأثیر مستقیم دارد. نوجوانانی که روابط عاطفی ایمن و حمایت‌گر را در خانواده تجربه می‌کنند، معمولاً از مهارت بیشتری در کنترل هیجان‌ها و ابراز سازگارانه خشم برخوردارند؛ در مقابل، ضعف در پیوند عاطفی با والدین می‌تواند زمینه‌ساز بروز رفتارهای پرخاشگرانه و شیوه‌های ناسازگار ابراز خشم باشد.

با وجود اهمیت پیوند والدینی، بیشتر پژوهش‌های داخلی این متغیر را در کنار سایر عوامل خانوادگی بررسی کرده‌اند و مطالعاتی که به‌طور اختصاصی نقش آن را در تبیین سبک‌های ابراز خشم دانش‌آموزان بررسی کرده باشند، محدود است.



این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام مطالعاتی را که به نقش مستقل روابط عاطفی والد - فرزند در شکل‌گیری الگوهای ابراز خشم می‌پردازند، دوچندان می‌کند.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه پیوند والدینی با سبک‌های ابراز خشم دانش‌آموزان و تبیین نقش روابط عاطفی والد - فرزند انجام شده است تا شواهد علمی لازم برای برنامه‌ریزی مداخلات آموزشی، مشاوره‌ای و خانواده‌محور به منظور ارتقای سلامت روان و کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان فراهم شود.

تعاریف مفهومی متغیرهای پژوهش

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

پیوند والدینی

تعریف مفهومی:

پیوند والدینی به کیفیت رابطه عاطفی، حمایت، مراقبت و کنترل ادراک‌شده از سوی والدین اشاره دارد که فرزند آن را در تعامل با پدر و مادر تجربه می‌کند. این سازه بیانگر میزان احساس امنیت، پذیرش، محبت و دل‌بستگی در روابط والد - فرزند است و نقش مهمی در رشد هیجانی، اجتماعی و روان‌شناختی نوجوانان ایفا می‌کند.

تعریف عملیاتی:

در این پژوهش، پیوند والدینی بر اساس نمره کسب‌شده در پرسشنامه پیوند والدینی (Parental Bonding Instrument: PBI) ساخته پارکر، توپلینگ و براون (1979) سنجیده شد. این ابزار دو بعد اصلی «مراقبت» و «حمایت/کنترل» را ارزیابی می‌کند و نمره بالاتر نشان‌دهنده ادراک مطلوب‌تر دانش‌آموز از کیفیت پیوند عاطفی با والدین است.

سبک‌های ابراز خشم

تعریف مفهومی:

سبک‌های ابراز خشم به شیوه‌هایی گفته می‌شود که افراد هنگام تجربه هیجان خشم، آن را به‌صورت بیرونی، درونی یا از طریق راهبردهای کنترل و مدیریت هیجان ابراز می‌کنند. این سبک‌ها بازتابی از توانایی فرد در تنظیم هیجان و سازگاری روان‌شناختی بوده و تحت تأثیر عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی قرار دارند.

تعریف عملیاتی:

در پژوهش حاضر، سبک‌های ابراز خشم بر اساس نمرات حاصل از پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (Buss & Perry Aggression Questionnaire) اندازه‌گیری شد. نمرات به‌دست‌آمده بیانگر میزان گرایش دانش‌آموزان به ابراز خشم و رفتارهای پرخاشگرانه است؛ به‌گونه‌ای که نمرات بالاتر نشان‌دهنده شدت بیشتر ابراز ناسازگارانه خشم و پرخاشگری است.

اهداف پژوهش

هدف کلی

بررسی رابطه پیوند والدینی با سبک‌های ابراز خشم دانش‌آموزان و تبیین نقش روابط عاطفی والد - فرزند در پیش‌بینی سبک‌های ابراز خشم.

اهداف اختصاصی

1. تعیین رابطه بین پیوند والدینی و سبک های ابراز خشم دانش آموزان.
2. بررسی رابطه مؤلفه های پیوند والدینی (مراقبت و حمایت/کنترل) با سبک های ابراز خشم دانش آموزان.
3. تعیین میزان قدرت پیش بینی پیوند والدینی در تبیین سبک های ابراز خشم دانش آموزان.
4. تبیین نقش کیفیت روابط عاطفی والد - فرزند در شکل گیری الگوهای ابراز خشم دانش آموزان.

فرضیه های پژوهش

1. بین پیوند والدینی و سبک های ابراز خشم دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.
2. بین مؤلفه «مراقبت» در پیوند والدینی و سبک های ابراز خشم دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.
3. بین مؤلفه «حمایت/کنترل» در پیوند والدینی و سبک های ابراز خشم دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.
4. پیوند والدینی قادر است سبک های ابراز خشم دانش آموزان را به طور معناداری پیش بینی کند.

پیشینه پژوهش

پژوهش های انجام شده در حوزه روان شناسی خانواده نشان می دهد که کیفیت روابط والد - فرزند یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر رشد هیجانی و رفتاری نوجوانان است. بر اساس نظریه دلبستگی، پیوند عاطفی ایمن میان والدین و فرزند، زمینه شکل گیری احساس امنیت، تنظیم هیجان و سازگاری روان شناختی را فراهم می کند؛ در مقابل، ضعف در این پیوند می تواند با افزایش مشکلات هیجانی، رفتارهای پر خاشگرانه و شیوه های ناسازگار ابراز خشم همراه باشد.

مطالعات داخلی نیز به نقش تعیین کننده خانواده در سلامت روان نوجوانان اشاره کرده اند. نتایج این پژوهش ها نشان می دهد نوجوانانی که والدین آنان از سبک های فرزندپروری همراه با محبت، پذیرش و حمایت استفاده می کنند، از کنترل هیجانی مطلوب تری برخوردار بوده و رفتارهای پر خاشگرانه کمتری نشان می دهند. در مقابل، کنترل افراطی، طرد عاطفی و بی توجهی والدین با افزایش خشم، پر خاشگری و مشکلات سازگاری اجتماعی ارتباط دارد.

در مطالعات خارجی نیز رابطه مثبت بین پیوند والدینی ایمن و شاخص های سلامت روان، تنظیم هیجان و کاهش رفتارهای پر خاشگرانه تأیید شده است. پژوهشگران گزارش کرده اند که نوجوانان دارای روابط عاطفی مطلوب با والدین، در مواجهه با موقعیت های تنش زا از راهبردهای سازگارانه تری برای مدیریت خشم استفاده می کنند، در حالی که ضعف در روابط عاطفی والد - فرزند، احتمال بروز خشم کنترل نشده، تعارض های بین فردی و رفتارهای پرخطر را افزایش می دهد.

با وجود گسترش پژوهش ها در زمینه نقش خانواده در سلامت روان نوجوانان، بیشتر مطالعات داخلی، پیوند والدینی را در کنار متغیرهایی مانند شیوه های فرزندپروری، حمایت اجتماعی یا ویژگی های شخصیتی بررسی کرده اند. در نتیجه، نقش مستقل پیوند والدینی در تبیین سبک های ابراز خشم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر رابطه پیوند والدینی و سبک های ابراز خشم، در صدد است این خلأ پژوهشی را تا حدودی جبران کرده و شواهدی برای طراحی مداخلات خانوادهمحور و برنامه های ارتقای سلامت روان دانش آموزان ارائه دهد.

جدول 1. خلاصه پژوهش های پیشین مرتبط

پژوهشگر یافته ها	هدف پژوهش	مهمترین
پارکر، توپلینگ و براون 1979	طراحی و اعتباریابی ابزار سنجش پیوند والدینی	پیوند والدینی از دو بعد «مراقبت» و «حمایت/کنترل» تشکیل شده و نقش مهمی در رشد هیجانی فرزندان دارد.
باس و پری 1992	بررسی ابعاد پرخاشگری و ابراز خشم پرخاشگری و شیوه های ابراز خشم دارای ابعاد شناختی، هیجانی و رفتاری بوده و قابل اندازه گیری هستند.	
میکولینسر و شیور 2007	بررسی نقش دلبستگی در تنظیم هیجان	دلبستگی ایمن با تنظیم بهتر هیجان و کاهش رفتارهای پرخاشگرانه همراه است.
آیزنبرگ و همکاران 2010	نقش خانواده در رشد هیجانی نوجوانان	روابط عاطفی مثبت والد - فرزند توانایی کنترل هیجان را افزایش می دهد.
پژوهش داخلی	بررسی پیوند والدینی و سلامت روان نوجوانان	پیوند والدینی مطلوب با کاهش مشکلات هیجانی و رفتاری همراه است.
پژوهش داخلی	رابطه شیوه های فرزندپروری و پرخاشگری	سبک های فرزندپروری مقتدرانه با کاهش پرخاشگری ارتباط معنادار دارد.
پژوهش داخلی	بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر خشم نوجوانان	حمایت عاطفی والدین از مهمترین پیش بین های کنترل خشم است.
پژوهش داخلی	رابطه دلبستگی و تنظیم هیجان	دلبستگی ایمن موجب افزایش خودکنترلی و کاهش رفتارهای ناسازگار می شود.
پژوهش داخلی	پیش بینی پرخاشگری بر اساس متغیرهای خانوادگی	کیفیت روابط والد - فرزند سهم معناداری در پیش بینی پرخاشگری دارد.

جمع بندی پیشینه: مرور مطالعات نشان می دهد کیفیت پیوند والدینی و روابط عاطفی والد - فرزند از مهمترین عوامل مؤثر بر تنظیم هیجان و شیوه های ابراز خشم در نوجوانان است. با این حال، اغلب پژوهش های پیشین پیوند والدینی را در کنار سایر متغیرهای خانوادگی بررسی کرده اند و نقش مستقل آن در تبیین سبک های ابراز خشم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر این رابطه، درصدد تکمیل خلأ موجود در ادبیات پژوهش است.

-روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را تمامی دانش آموزان دوره اول متوسطه شهر زنجان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ تشکیل دادند. حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان ۳۸۴ نفر تعیین شد که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند.



ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه پیوند والدینی (PBI) پارکر، توپلینگ و براون (1979) و پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (BPAQ) 1992 (بود). روایی ابزارها با استفاده از نظر متخصصان و شواهد گزارش شده در مطالعات پیشین تأیید شد و پایایی آن‌ها از طریق ضریب آلفای کرونباخ در سطح مطلوب ارزیابی گردید.

پس از اخذ مجوزهای لازم و رعایت اصول اخلاق پژوهش، پرسشنامه‌ها در میان نمونه پژوهش توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری شدند. داده‌های پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند. در بخش توصیفی از شاخص‌هایی مانند فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در بخش استنباطی از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه برای بررسی رابطه و قدرت پیش‌بینی پیوند والدینی در تبیین سبک‌های ابراز خشم استفاده شد. تمامی تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه 22 و در سطح معناداری 0/05 انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

ابتدا مفروضه‌های آماری بررسی شد و نتایج نشان داد داده‌ها برای انجام تحلیل‌های همبستگی و رگرسیون چندگانه مناسب هستند. سپس برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

نتایج آزمون همبستگی نشان داد بین پیوند والدینی و سبک‌های ابراز خشم دانش‌آموزان رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که افزایش کیفیت پیوند والدینی با کاهش ابراز ناسازگارانه خشم همراه بود. این یافته فرضیه اصلی پژوهش را تأیید کرد.

همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که پیوند والدینی توان پیش‌بینی معناداری برای سبک‌های ابراز خشم دارد. بر اساس ضرایب استاندارد رگرسیون، پیوند والدینی در پیش‌بینی مؤلفه‌های مختلف ابراز خشم، از جمله خشم، خصومت و پرخاشگری بدنی، نقش معناداری ایفا کرد؛ به‌طوری‌که ضرایب استاندارد این متغیر برای مؤلفه‌های مختلف مثبت و معنادار گزارش شد (برای نمونه، $\beta = 0.267$ در مؤلفه خشم، $\beta = 0.251$ در مؤلفه خصومت و $\beta = 0.213$ در پرخاشگری بدنی).

به طور کلی، یافته‌ها نشان دادند که کیفیت روابط عاطفی والد - فرزند می‌تواند نقش مؤثری در تبیین نحوه ابراز خشم نوجوانان داشته باشد؛ به این معنا که هرچه پیوند والدینی مطلوب‌تر باشد، احتمال بروز الگوهای ناسازگار ابراز خشم کاهش می‌یابد و نوجوانان از راهبردهای سازگارانه‌تری برای مدیریت هیجان‌های خود استفاده می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه پیوند والدینی با سبک‌های ابراز خشم دانش‌آموزان و تبیین نقش روابط عاطفی والد - فرزند در پیش‌بینی شیوه‌های ابراز خشم بود. یافته‌های پژوهش نشان داد بین پیوند والدینی و سبک‌های ابراز خشم رابطه معناداری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که هرچه کیفیت روابط عاطفی والد - فرزند مطلوب‌تر باشد، احتمال بروز شیوه‌های ناسازگار ابراز خشم کاهش می‌یابد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد پیوند والدینی از قدرت پیش‌بینی معناداری برای سبک‌های ابراز خشم برخوردار است و می‌تواند بخشی از تغییرات این متغیر را تبیین کند. این یافته‌ها بیانگر آن است که تجربه روابط مبتنی بر محبت، حمایت، پذیرش و امنیت روانی در خانواده، نقش مهمی در شکل‌گیری الگوهای سالم تنظیم هیجان و کنترل خشم در نوجوانان دارد.

یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات داخلی و خارجی در زمینه نقش خانواده در رشد هیجانی نوجوانان همسو است. پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که نوجوانانی که از پیوند عاطفی ایمن با والدین برخوردارند، در مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا از راهبردهای سازگارانه‌تری برای مدیریت هیجان‌ها استفاده می‌کنند و کمتر به رفتارهای پرخاشگرانه روی می‌آورند. در مقابل، ضعف در روابط عاطفی، طرد هیجانی یا کنترل افراطی والدین می‌تواند زمینه افزایش خشم، خصومت و رفتارهای پرخاشگرانه را فراهم کند. این همسویی، اعتبار یافته‌های پژوهش حاضر را تقویت می‌کند.

تبیین این یافته‌ها را می‌توان بر پایه نظریه دلبستگی بیان کرد. بر اساس این نظریه، کیفیت روابط اولیه کودک با والدین، الگوهای درونی او را در زمینه اعتماد، امنیت و تنظیم هیجان شکل می‌دهد. نوجوانانی که در محیطی سرشار از حمایت



عاطفی، پذیرش و ارتباط مؤثر رشد می‌کنند، توانایی بیشتری در کنترل هیجان‌های منفی و ابراز سازگاران خشم دارند. در مقابل، روابط عاطفی سرد، ناپایدار یا کنترل‌گر، ظرفیت تنظیم هیجان را تضعیف کرده و احتمال بروز واکنش‌های هیجانی شدید و رفتارهای ناسازگار را افزایش می‌دهد.

با توجه به نتایج پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که پیوند والدینی یکی از عوامل کلیدی در سلامت هیجانی نوجوانان است و تقویت روابط عاطفی والد - فرزند می‌تواند به کاهش رفتارهای پر خاشگروانه و ارتقای مهارت‌های تنظیم هیجان منجر شود. از این رو، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی ویژه والدین با محوریت بهبود مهارت‌های ارتباطی، افزایش حمایت عاطفی و تقویت تعاملات مثبت خانوادگی در مدارس و مراکز مشاوره طراحی و اجرا شود. همچنین، مشاوران مدارس می‌توانند با شناسایی دانش‌آموزان دارای روابط خانوادگی آسیب‌پذیر، مداخلات پیشگیرانه و حمایتی مناسبی را برای ارتقای سلامت روان و کاهش مشکلات هیجانی آنان برنامه‌ریزی کنند.

پیشنهادهای کاربردی

پیشنهادهای پژوهش

پیشنهادهای کاربردی

1. کارگاه‌های آموزشی ویژه والدین با هدف تقویت مهارت‌های ارتباطی، افزایش حمایت عاطفی و بهبود کیفیت روابط والد - فرزند در مدارس برگزار شود.
2. مشاوران و روان‌شناسان مدارس با اجرای برنامه‌های آموزش مدیریت خشم و تنظیم هیجان، دانش‌آموزان دارای مشکلات هیجانی را شناسایی و حمایت کنند.
3. برنامه‌های آموزش خانواده با تأکید بر نقش پیوند والدینی در سلامت روان و پیشگیری از رفتارهای پر خاشگروانه در مدارس و مراکز مشاوره توسعه یابد.
4. مدیران و مسئولان آموزشی با گسترش همکاری میان مدرسه و خانواده، زمینه ارتقای روابط عاطفی والد - فرزند و کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان را فراهم کنند.
5. در برنامه‌های ارتقای سلامت روان مدارس، به تقویت مهارت‌های فرزندپروری، گفت‌وگوی مؤثر و حل تعارض در خانواده توجه ویژه شود.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

1. نقش پیوند والدینی در سبک‌های ابراز خشم در مقاطع تحصیلی دیگر و در گروه‌های سنی مختلف بررسی شود.
2. نقش متغیرهای میانجی مانند تنظیم هیجان، تاب‌آوری، هوش هیجانی و عزت‌نفس در رابطه بین پیوند والدینی و سبک‌های ابراز خشم مطالعه شود.
3. پژوهش‌های مداخله‌ای با هدف ارزیابی اثربخشی آموزش مهارت‌های فرزندپروری بر کاهش خشم و پر خاشگرو نوجوانان طراحی و اجرا شود.
4. این پژوهش در فرهنگ‌ها، استان‌ها و بافت‌های اجتماعی متفاوت تکرار شود تا امکان تعمیم نتایج افزایش یابد.
5. در پژوهش‌های آینده، نقش متغیرهای خانوادگی دیگری مانند انسجام خانواده، تعارض والدین و سبک‌های ارتباطی خانواده در کنار پیوند والدینی بررسی شود.

محدودیت‌های پژوهش



پژوهش حاضر نیز همانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی همراه بود که در تفسیر و تعمیم نتایج باید مورد توجه قرار گیرد. نخست، این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - همبستگی انجام شد؛ بنابراین، امکان استنباط رابطه علت و معلولی بین متغیرها وجود ندارد. دوم، داده‌ها بر اساس پرسشنامه‌های خودگزارشی گردآوری شد که ممکن است تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهندگان، تمایل به ارائه تصویری مطلوب از خود یا شرایط روحی افراد در زمان پاسخ‌گویی قرار گرفته باشد. سوم، جامعه آماری پژوهش به دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر زنجان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ محدود بود؛ از این رو، در تعمیم نتایج به سایر مقاطع تحصیلی، گروه‌های سنی یا مناطق جغرافیایی دیگر باید احتیاط شود. همچنین، در این پژوهش برخی متغیرهای خانوادگی و فردی مؤثر بر سبک‌های ابراز خشم، مانند وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده، ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روان والدین، بررسی نشد که می‌تواند بر نتایج پژوهش تأثیرگذار باشد.

منابع

منابع فارسی

- احمدی، ف. (1385). مهارت‌های کنترل خشم. تهران: انتشارات طلوع.
- اسفندیاری، غ. (1374). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلال رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فرزندان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). انستیتوی روان‌پزشکی ایران.
- رحیمی، م. (1386). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و کیفیت زندگی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر شیراز (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شیراز.
- رافضی، ز. (1383). نقش آموزش کنترل خشم به نوجوانان دختر 15 تا 18 ساله در کاهش پرخاشگری (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

English References

-). The Aggression Questionnaire. Journal of Personality and Social Psychology 1992 Buss, A. H., & Perry, M. (459-452), 3(63)
-). A Parental Bonding Instrument. British Journal of Medical Psychology 1979 Parker, G., Tupling, H., & Brown, L. B. (10-1), 1(52)
-). A Secure Base: Parent-Child Attachment and Healthy Human Development. New York: Basic Books. 1988 Bowlby, J.
-). Attachment in Adulthood: Structure, Dynamics, and Change. New York: Guilford Press. 2007 Mikulincer, M., & Shaver, P. R.

English Title



The Relationship Between Parental Bonding and Anger Expression Styles Among Students: Explaining the Role of Parent–Child Emotional Relationships

Abstract

The present study aimed to investigate the relationship between parental bonding and anger expression styles among junior high school students by explaining the role of parent–child emotional relationships. This applied study employed a descriptive-correlational design. The –2021 statistical population consisted of all junior high school students in Zanjan during the participants were selected using a multistage cluster 384 academic year, from whom 2022 sampling method. Data were collected using the Parental Bonding Instrument (PBI) developed) and the Buss–Perry Aggression Questionnaire (BPAQ) 1979 by Parker, Tupling, and Brown (). Data analysis was conducted using descriptive statistics, Pearson's correlation 1992(.22 coefficient, and multiple regression analysis in SPSS version

The findings revealed a significant relationship between parental bonding and students' anger expression styles. Higher levels of parental care and healthier parent–child emotional relationships were associated with lower levels of maladaptive anger expression and aggressive behaviors. Furthermore, parental bonding significantly predicted students' anger expression styles. These findings suggest that warm, supportive, and secure emotional relationships between parents and children contribute substantially to healthy emotional regulation and adaptive anger management during adolescence. Therefore, strengthening parent–child emotional relationships through family-centered educational and counseling programs may enhance adolescents' psychological well-being and reduce aggressive behaviors.

Keywords: Parental Bonding, Parent–Child Emotional Relationship, Anger Expression Styles, Aggression, Adolescents